



شیخ محمد علی حزین اصفهانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

ریحانه افسر
استاد دانشگاه کراچی
بخش فارسی

زاهد گیلانی (متوفی در ۷۰۰ هـ) که پیر و مرشد زاو طریقت سید صفی الدین اردبیلی (م - ۷۳۵ هـ) ^۱ بود، می‌رسد. بدین طریق: «محمد علی بن ابی طالب بن عبدالله بن علی بن عطاء الله بن اسماعیل بن اسحاق بن نورالدین محمد بن شهاب الدین علی بن علی بن یعقوب بن عبدالواحد بن شمس الدین محمد بن احمد بن محمد بن جمال الدین علی بن تاج الدین ابراهیم معروف به زاهد گیلانی»^۲
اسم پدرش ابوطالب بود و خانواده او در گیلان و آستارا و بعد در

شیخ محمد علی حزین اصفهانی یکی از ادبا و شعرا و علمای معروفیست که در قرن دوازدهم هجری در شورش های [منتهی به] انقراض دولت صفویه در اصفهان زیسته و در سال ۱۱۴۶ هـ از خوف نادرشاه به سند رفته و قسمت عمده ای از زندگانی خود را در شبه قاره پاک و هند به سر برده.
اسم کامل او شیخ ابوالمعالی محمد، معروف به علی، متخلص به حزین است. سلسله نسب او به قول خودش به هجده واسطه به شیخ

لاهیجان سکونت می‌داشت. تا اینکه پدر حزین در سن بیست سالگی برای تحصیل علوم از لاهیجان به اصفهان رفت و در آنجا متأهل و مقیم شد و در سال ۱۱۲۷ هـ/ ۱۷۱۵ م به سن ۴۹ سالگی در آن شهر درگذشت.

حزین در روز دوشنبه ۲۷ ربیع الآخر ۱۱۰۳ هـ/ ۸ ژانویه ۱۶۹۲ م در اصفهان به دنیا آمد و به سن چهار سالگی نزد ملا شاه محمد شیرازی شروع به تحصیل کرد و به قول حزین:

«در (عرض) دو سال سوادخوانی و خطی میسر آمده، و شوقی مفرط به تحصیل حاصل شده، هیچ شغلی نزد من مرغوب‌تر از خواندن و نوشتن نبود. کتب فارسی بسیار از نظم و نثر خواندم به رسایل صرف و نحو و فقه مشغول ساختند و به زودی فرا گرفتم، رساله‌ای چند از منطق تعلیم کردند، مرا به آن فن زیاده شوق و شغف پدید آمد و درست اخذ کردم... چون طبیعت موزون بود، از شعر لذتی عظیم می‌یافتم و به گفتن میل می‌شد و مدتی مخفی بود. چون استاد مطلع شد، مرا از آن منع نمودی و والد مرحوم نیز مبالغه در ترک آن داشتی و مرا صرف طبیعت یکباره از آن ممکن نبود، چیزی که وارد خاطر می‌شد، می‌نوشتم و پنهان می‌داشتم.»^۳

حزین در هشت سالگی (۱۱۱۱ هـ) به حکم پدر خود مشغول به فرا گرفتن فن تجوید و قرائت قرآن شد و مدت دو سال در خدمت مولانا ملک حسین قاری اصفهانی که در آن فن مهارتی کامل داشت، چند رساله در فن تجوید مطالعه کرد. سپس شرح جامی بر کافیه و شرح نظام بر شافیه و تهذیب ایساغوجی و شرح شمسیه و شرح مطالع در منطق و شرح هدایه و حکمت العین با حواشی و مختصر تلخیص و تمام مطلق و مغنی اللیب و جعفریه نافع و ارشاد و شرایع الاحکام در فقه و من لایحضره الفقیه در حدیث و معالم و چند نسخه دیگر پیش پدر خود خواند.^۴

همچنین به امر پدر قریب سه سال به خدمت شیخ خلیل الله طالقانی علوم باطنی حاصل کرد. بعد از فوت شیخ مزبور، حزین چندی از محضر شیخ بهاء‌الدین گیلانی که از تلامذه سیدالحکما میرقوم علیه‌الرحمه قدری از کتاب احیاء العلوم و رسایل اسطربلاب و شرح چغینی خواند و بعداً در حدیث از مولانا محمد صالح مازندرانی و در تفسیر از مولانا محمد کاشانی و علوم دیگر از محمد باقر علی مجلسی (م - ۱۱۱۵ هـ) و میرزا علاء‌الدین محمد معروف به گلستانه و شیخ جعفر علی قاضی و مسیح الزمان آخوند مسیحایی کاشانی و مولانا ابوتراب و میرزا باقر قاضی و مولانا شمس‌الدین محمد استفاده کرد.

بعد از این حزین همراه پدرش به قصد ملاقات عمویش و خانواده‌اش به لاهیجان رفت و نزدیک به یک سال در آنجا اقامت داشت و رساله «خلاصه الحساب» را در خدمت عمویش شیخ ابراهیم زاهدی جیلانی (م - ۱۱۱۶ هـ) خواند و از علمای معروف دیگر آن دیار نیز علوم مختلفی را فرا گرفت سپس به اصفهان برگشت.

* شیخ محمدعلی حزین اصفهانی از شاعران و سخنگویان نامبردار اصفهان است.

در همان زمان ذوق و شوق برای مطالعه ادیان و مذاهب مختلفه در او پدیدار شد و در نتیجه با علمای نصاری و راهبان و کشیشان و با فردی کلیمی بنام شعیب ملاقات کرد و کتب مسیحی و تورات را خواند و همچنین اختلاف مذاهب اسلام را مورد نظر قرار داد و با علمای فرقه‌های مختلف مسلمانان صحبتها داشت و در ضمن، کتب متداوله را تدریس می‌کرد و نیز رسایلی مستقل در موضوعات مختلفه تألیف کرد و بر بعضی کتب حواشی و تعلیقات می‌نوشت.

در همان زمان مدت دو ماه به عارضه مفاصل مبتلا گشت. چون فرصت داشت لهذا اوقات خود را به سرودن شعر می‌گذراند و اولین دیوان اشعاری که حاوی قصاید و مثنوی‌ها و غزلیات و رباعی با تقریباً هفت یا هشت هزار بیت بود، ترتیب داد.

حزین مدتی بعد به شیراز رفت و از صحبت علمای آن شهر بالجمله مولانا شاه محمد شیرازی و مولانا محمد مسیحایی فسایی متخلص به معنی و مولانا لطف علی شیرازی و مولانا باقر صوفی و شیخ محمد امین شیرازی و مولانا محمدعلی سکاکی و میرزا مهدی نسایه و میرزا ابوطالب شولستانی اکتساب علم و معرفت نمود.

پس از شیراز به شهر بیضا روی آورد و با عالم و شاعر عربی صدرالدین سیدعلی خان بن نظام‌الدین احمد حسینی و حاجی نظام‌الدین علی انصاری اصفهانی ملاقات و از آنها استفاده کرد. حاشیه بر امور عامه شرح تجوید و رساله تحقیق غنا و رساله منطق را آنجا نوشت و همین جا با دانشمندی از مجوس روبرو شد و از او اطلاعاتی درباره مذهب مجوسی کسب نمود و بعداً به اردکان فارس رفت و از صحبت علمای آن شهر - مولانا عبدالکریم اردکانی و میر عبدالنبی اصفهانی - استفاده نموده به شیراز برگشت و آنجا تألیف مجموعه‌ای را به نام «مدة العمر» مشتمل بر نفایس و نوادر شروع کرد. تا اوایل سال ۱۱۳۵ هـ تقریباً به هفت هزار بیت رسیده بود که در آن سال سانحه اصفهان واقع شد و آن نسخه با کتابخانه حزین از بین رفت. درباره این نسخه در «تاریخ احوال» نوشته است:

«... که در آن سال (۱۱۳۵ هـ) سانحه اصفهان روی داد و با کتابخانه فقیر آنچه بود به غارت رفت و مرا بر تلف

شدن آن نسخه تأسف است. چه اگر انجام می‌یافت و به نظر افاضلی جهان می‌رسید آن را لایق ذخیره خزاین سلاطین قدرشناس می‌یافتند.^۵

بالآخر از شیراز به شهر فسا رفته و آنجا به صحبت شیخ سلام الله شولستانی شیرازی سعادت یافت و بعداً در کازرون با خواجه حسام‌الدین کازرونی و مولانا محمد یوسف عارف کازرونی ملاقات کرد، پس از آنجا به شولستان و جهرم رفت و در خدمت علمای آنجا — میرعبدالحسین و مولانا محمد صالح — فیض یاب شد، سپس به داراب رفت و در آنجا رساله لوامع مشرقه در تحقیق معنی واحد و وحدت و چند رساله دیگر در غوامض مسایل الهیه نوشت.

پس به خطه لار رفت و از اعیان آنجا میرزا اشرف جهان لاری و میرمحمدتقی لاری و مولانا نصرالله لاری را ملاقات نمود، پس از آنجا به بندرعباسی «بندرعباس» رفت و از آنجا از راه دریا عازم مکه شد. اما کشتی او گرفتار باران و طوفان شدیدی شد و بالآخر پس از چند روز به ساحل عمان رسید و در آنجا راهزنان دریایی کالای مسافران کشتی را به غارت بردند. پس از چند روز به مشقت و دشواری تمام به مسقط رسید و آنجا یک ماه توقف کرد، ولی آخر از مسافرت مکه معطله منصرف شده و عازم جزیره بحرین شد و آنجا با عالمی به نام شیخ محمد شیخ الاسلام آشنا شد و به خواهش او یک ماه در آنجا توقف کرد، سپس به کشتی سوار شد و به بندر معموره کنگ که از بهترین سواحل فارس است، رسید و از آنجا عازم سردسیر فارس شد و در این سفر اکثر نواحی فارس را دیدن کرد. پس به شیراز رفت و از آنجا از راه یزد به اصفهان مراجعت کرد. در راه در شهر یزد با بعضی علمای آن دیار آشنا شد. بالآخر در اصفهان به خدمت والدین و برادران و احباب رسید و در آن وقت والدین خواستند که او تاهل اختیار کند ولی حزین به سبب اشتغال و شوقی مفروط به علم رضایت خود را اظهار نداشت.

سپس به خدمت استاد مولانا محمد صادق اردستانی (م — ۱۱۳۴ هـ) کتبی چند در حکمت و علوم نظری و عملی خواند و در همان ایام رسایل زیر را تصنیف کرد:^۶

۱ — رساله توفیق در توافق حکمت و شریعت.

۲ — رساله توجیه کلام قدماى حکمای مجوس در مبدأ عالم.

۳ — رساله ابطال تناسخ برای طبیعیین.

۴ — رساله در مدارج حروف.

۵ — حاشیه بر شرح حکمت اشراق.

۶ — حاشیه بر روائج الجنان.

۷ — حاشیه بر الهیات شفا و فراید الفوائد.

۸ — حاشیه بر شرح هیاکل النور.

۹ — شرح رساله کلمة التصوف شیخ اشراق.

۱۰ — فرس نامه.

در همان ایام اشعار خود را جمع‌آوری نمود و «دیوان دوم» را ترتیب

* از لحاظ سرگذشت احوال و اوضاع ایران در نیمه اول قرن دوازدهم هجری «تذکره الاحوال» حزین دارای اهمیت فوق العاده‌ای می‌باشد.

داد که تقریباً ده هزار بیت بود. مثنوی تذکره العاشقین را نیز در همان زمان در اصفهان آغاز کرد. این مثنوی متضمن حکایتی است منقول از اصمعی و تقریباً هزار بیت دارد.

در سال ۱۱۲۷ هـ/ ۱۷۱۵ م پدر حزین در اصفهان وفات یافت و بعد از دو سال مادرش نیز رحلت نمود. سپس حزین به شیراز رفت. مدتی چند در آن شهر اقامت نمود و همانجا «دیوان سوم» خود را ترتیب داد و این دیوان مشتمل بر سه یا چهار هزار بیت بود. بعداً به اصفهان مراجعت نمود.

محمودخان افغان در اوایل ۱۱۳۴ هـ/ ۱۷۲۳ م به ایران حمله کرد و در این حمله اصفهان و شهرهای دیگر ایران را نیز غارت کرد و حزین بیچاره و بی خانمان و مریض شد،^۷ لهذا حزین در آغاز ماه محرم ۱۱۳۵ هـ به همراهی دو سه نفر از سادات و دوستان تغییر لباس داده، از اصفهان خارج شد و با زحمت‌های تمام خود را به خوانسار رسانید و این چند روز قبل از تسلیم اصفهان و ورود افغانان به پایتخت ایران بود.

بعداً حزین دو سال (۱۱۳۷ هـ) در خرم‌آباد اقامت نموده با علمای این شهر مانند امیر سیدعلی موسوی و امیر سیدحسین و مولانا قاضی نظام‌الدین علی خراسانی صحبت داشت در همان زمان رومیان یعنی «ترکان» شهر همدان را محاصره کردند و به این شهر وارد شدند و همه جا قتل و غارتگری کردند. لهذا حزین از همدان بیرون رفته به نهاوند رسید و آنجا با قاضی ابراهیم نهاوندی ملاقات کرد و بعداً حزین به ولایت بختیاری رفت و آنجا تصمیم گرفت که برای همیشه به عراق عرب رفته آنجا زندگی کند. به همین اراده از خرم‌آباد مراجعت نموده عازم شوشتر و خوزستان و دزفول شد و حاکم قصبه دزفول، ابوالفتح‌خان، با حزین لطف کرد و آنجا با میرعبدالباقی و قاضی مجدالدین دزفولی که از آشنایان قدیم او بودند، ملاقات کرد. سپس به شوشتر رفته با علمای آن شهر مانند سیدنورالدین خان بن سیدنعمت‌الله جزایری و میرزا تقی عبدالباقی مرعشی ملاقات کرد. سپس به شهر هویزه رفت و با والی شهر سیدمحمدخان بن سید فرج‌الله خان مشعشع و با عالمی به نام شیخ یعقوب هویزوی^۸ ملاقات کرد.

همراه او رفت^{۱۱} و در جنگهای افغانه در همین سال هزیمت خوردند، ولی در این اثنا حزین در سبزواری به تب گرفتار شد، ناچار در دامغان اقامت کرد و به ساری (مازندران) رفته و دو ماه در این شهر بستری شد اما در این مدت از تدریس دست نکشید و شاگردان را درس می‌داد.

پس از راه تهران به اصفهان رسید، ولی اوضاع اصفهان بسیار خراب بود و شهر کاملاً ویران گشته و دیگر از آشنایان و دوستان وی خیلی کم مانده بودند. در آن زمان مولانا محمدجعفر سبزواری را ملاقات کرد و تقریباً شش ماه در اصفهان اقامت کرده به شیراز رفت و آنجا با میرزا هادی، خلیف مولانا شاه محمد شیرازی، ملاقات کرد. سپس از راه لار به بندرعباسی رسید.

پس در سال ۱۱۴۳ هـ از بندرعباس به سفر حجاز روانه شد و با کشتی فرنگی اول به بندر سورت (گجرات در هندوستان) رفت. تقریباً دو ماه در آنجا اقامت کرده از آنجا به بندر جدّه رسید و از حج بیت الله و مناسک حج فراغت یافت و در مکه معظمه به سبب اشارتی که در رؤیا روی داد، رساله امامت را تألیف نمود^{۱۲}، سپس در ماه محرم ۱۱۴۵ هـ با قافله حاج لحسا رفیق شده به جزیره بحرین و از آنجا به بندرعباس مراجعت نمود. آنجا معلوم شد که اوضاع ایران بار دیگر خراب شده و در اوایل ۱۱۴۵ هـ به جای شاه طهماسب پسرش شاه عباس نامزد شد. بنابر زحمتهای سخت که در دوران سفر حجاز کشیده بود، حزین طاقت و استطاعت مالی نداشت. دو ماه در بندرعباس اقامت کرده و از راه لار به جهرم رفت. سردار فارس شهر جهرم را محصور کرده بود. بنابراین چند روز اقامت کرده سپس به بندرعباس اقامت نمود و از مشاهده آن احوال و اوضاع به تنگ آمد و تصمیم گرفت که ایران را ترک گفته از راه بصره به نجف برود. اما در آن ایام خان معظم، بغداد را محصور داشت. چنانکه حزین ناچار با جماعت ولندسیه (ولندیزی) به کشتی نشسته، روانه سواحل عمان شد و در شهری که بر سواحل بحر و موسوم به صحار است، فرود آمده، دو ماه در آنجا اقامت نمود و از سختی های آنجا دلتنگ شد و از قبیله رغاب اعراب سکنه آن محدوده کشتی گرفته به مسقط رسید. ولی به سبب ناسازگاری آب و هوا دوباره به بندرعباسی مراجعت نمود و از آنجا چند روز در جرون اقامت نموده به کرمان رسید. چون در اواسط ۱۱۴۶ هـ لشکر قزلباش (لشکر نادرشاه) شکست خورد و خان معظم از بغداد مراجعت کرد، حزین دوباره به عزم بصره و نجف به بندرعباسی رفت. ولی در این اثنا راه بغداد دوباره بسته شد و چون اوضاع سایر کشور ایران دگرگون شده بود، بنابراین ناچار در روز دهم رمضان ۱۱۴۶ هـ حزین با کشتی عازم «سند» شبه قاره پاک و هند شد.

حزین روز اول ماه شوال ۱۱۴۶ هـ به شهر تته ایالت سند رسید^{۱۳} و آنجا دو ماه اقامت کرد. سپس با کشتی به خداآباد رفت و به مدت هفت ماه به علت بیماری در آن شهر قیام کرد. از آنجا به بهکر^{۱۴} کنار آب سند رسید و یک ماه اقامت نموده از آنجا به روستایی که نزد حصار

* محمود خان افغان در اوایل ۱۱۳۴ هـ/۱۷۲۳ م به اران حمله کرد و در این حمله اصفهان و شهرهای دیگر ایران را نیز غارت کرد و حزین بیچاره و بی خانمان و مریض شد.

پس به بصره رفت و از آنجا قصد یمن کرد و شهرهای مختلفه آنجا را مانند بندر موخا و تعض و صنعا را سیاحت کرده و در صنعا از صحبت شیخ حسن بن سعید اولسی عینی مستفیض شده باز به بصره مراجعت کرد و از آنجا از راه هویزه و شوشتر به خرم آباد رفت اما در آن شهر مریض شد و در همان زمان احمد پادشاه سردار لشکر روم به آن شهر حمله کرد و حزین با همان لشکر موافقت کرده به کرمانشاه رسید و مدتی در آنجا به سر برد و رساله «مفتح القلوب» در مجربات و فواید طیبیه و رساله تجرد نفس را در آن شهر تألیف نمود و با امیر صدرالدین محمد قمی اصفهانی ملاقات کرد.

بعدها حزین مدتی در قصبه تویسرکان و دامن کوه الوند اقامت نموده به بغداد و کربلای معلی و از آنجا به نجف اشرف رسید و تقریباً سه سال در آن شهر اقامت داشت و در این مدت یک نسخه مصحف (قرآن) را به خط خود نوشته در روضه حضرت علی (ع) گذاشت و با علمایی مانند ملا ابوالحسن اصفهانی و مولانا نورالدهر گیلانی و شیخ یونس نجفی و شیخ احمد جزایری و شیخ مفید شیرازی و مولانا محمد فراهی و سید هاشم نجفی صحبت داشت^{۱۵}.

بعد از نجف از راه بغداد و کردستان و آذربایجان و تبریز و اردبیل و گیلان و آستارا عازم مشهد شد و به مازندران قیام نمود. چون شاه طهماسب دوم صفوی (۱۱۳۵-۱۱۴۴ هـ) مشهد را فتح کرد. لکن حزین از راه استرآباد به مشهد رفت و در آن شهر به زیارت روضه رضویه علیه السلام مشرف شد و در این شهر اقامت نموده با علمای آن دیار سید میرمحمد تقی رضوی خراسانی و مولانا محمد رفیع گیلانی و مولانا محمد شفیع گیلانی ملاقات نمود و در دوران قیام، کتاب رموز کشفیه را با چند رساله دیگر تألیف نمود و گاهی با اعیان و مستعدان آنجا صحبت می‌داشت و اشعاری که در آن مدت گفته بود، جمع آوری نموده، دیوان چهارم خود را مرتب کرد و «مثنوی خرابیات» را به سبک «بوستان» سعدی که یک هزار و دو بیت دارد همانجا آغاز کرد^{۱۶}.

در ماه صفر ۱۱۴۲ هـ موقعی که شاه طهماسب دوم صفوی برای استیصال اشرف خان افغان متوجه به اصفهان شد، حزین به دعوت شاه

در بنارس چند مرتبه در سال ۱۱۷۷ هـ شاه عالم، پادشاه هند (۱۱۷۳-۱۲۲۲ هـ) و شجاع الدوله وزیر او و میرقاسم ناظم بنگال برای دیدن حزین آمدند و ظاهراً نظر به شهرت او در تقوی و تعبد و کشف و کرامات و عقیدت که خود به خدمت شیخ داشتند در مسایل کشور با وی مشورت می‌کردند. چنانکه حزین به آنها توصیه کرد که با انگلیسیها جنگ نکنند.^{۲۰}

حزین در بنارس زندگانی نسبتاً مرفهی داشت و مورد احترام و قبول عامه قرار گرفته بود. مؤلف تذکره «مردم دیده» که شیخ را در بنارس زیارت کرده بود می‌گوید:^{۲۱}

«... (او) در لباس فقیری (زندگی خود را) امیرانه می‌گذارد».

حزین در شب یازدهم جمادی الاول ۱۱۸۰ هـ به سن ۷۷ سالگی در بنارس ۲۲ در هند وفات یافت و در مقبره‌ای که در آن شهر برای خود ساخته بود، مدفون شد.

مؤلف «خزانه عامره» قطعه [=ماده] تاریخ فوت حزین را چنین گفته است:^{۲۳}

علامه عصر و شاعری خوب

افسوس که از میانان برخاست

تاریخ وفات او نوشتیم

«از فوت حزین حزین دل ماست» سنه ۱۱۸۰

مؤلف «هفت آسمان» بدینطور می‌نویسد که شخصی این تاریخ را به تعمیم گفته:^{۲۴}

تهی گشت هیهات روی زمین

ز شیخ محمد علی حزین

مؤلف «نقش پارسی بر احجار هند» به زیارت مقبره حزین رفته بود

و درباره آرامگاه حزین چنین نوشته است:

«در دو میلی مغرب بنارس در مقبره مخصوص جماعت

شیعه اثناعشریه در زیارت گاهی که بنام سیده فاطمه

علیها سلام الله دایر کرده‌اند، قبور زیادی از شیعیان موجود

است. در یک طرف آن مصطبه است و بر روی مزار سنگی

قرار دارد. به طول یک متر و نیم و به عرض سی سانتیمتر و

در روی سنگ این عبارات و اشعار منقوش است:^{۲۵}

سطر اول: یا الله.

سطر دوم: یا محسن قد اتاک النسبی

سطر سوم و چهارم و پنجم: العبد الراجی الی رحمة ربه

محمد المدعو بعلی بن ابیطالب الجیلانی.

در طول سنگ در دو حاشیه این دو بیت مقابل یکدیگر نقل

شده:

زیانندان محبت بوده‌ام دیگر نمی‌دانم

همین دانم که گوش از دوست بیغامی شنید اینجا

حزین از پای ره‌پیمان بسی سرگستگی دیدم

سر شوریده را بالین آسایش رسید اینجا

وز بر مصرع چهارم این عدد منقوش است که (گویا)

تاریخ وفات اوست «۱۱۸۰»

ملتان بود، رفته دو سال در آن شهر اقامت کرد و رساله «کُنه المرام» که در بیان قضا و قدر و خلق اعمال است، با چند رساله دیگر در آن مقام تحریر نمود و از ملتان به لاهور رفت و سه ماه در آنجا اقامت نموده به شاه جهان‌آباد پایتخت شاهان تیموری هند رسید و یکسال در آن شهر اقامت داشت.

سپس به عزم برگشتن به ایران، به لاهور رفت. ولی در این اثنا خبر رسیدن لشکر نادرشاه قبل از نوروز ۱۱۶۹ هـ به قندهار رسید و محاصره آن شهر خیلی طول کشید و این شهر در روز دوم ذی‌القعدة ۱۱۵۰ به دست نادرشاه افتاد و بعداً نادرشاه به شهر پیشاور نزول نموده از آب اتک با کشتی عبور کرد. در این زمان حزین در لاهور به بیماری سخت گرفتار شد و او در این فکر بود که از راه خراسان به ایران مراجعت کند. حزین ناچار با ضعف و نقاهتی تمام از لاهور به طرف سلطان‌پور رفته به سر هند رسید. در این اثنا نادرشاه به کنار لاهور رسید و زکریاخان حاکم لاهور با لشکر خود بر لب آبی که متصل به شهر می‌گردد، صف‌آرا گشت. ولی حاکم شهر امان خواست نادرشاه پیروز شده عازم شاهجهان‌آباد شد. در این زمان حزین از سر هند به دهلی روانه شد و از میان لشکر محمدشاه تیموری (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) که تقریباً دو ماه قیام کرده به دهلی رسید. وقتی که نادرشاه در ۱۵ ذی‌القعدة ۱۱۵۱ در جنگ کرنال لشکر محمدشاه را شکست داد و به تاریخ ۹ ذی‌الحجه ۱۱۵۱ وارد دهلی شد، حزین در آن موقع در منزل واله داغستانی گوشه‌نشین و مخفی بود.^{۱۵}

نادرشاه به تاریخ ۷ صفر ۱۱۵۲ هـ بعد از تاخت و تاراج دارالسلطنه شاهجهان‌آباد مملکت هندوستان را به محمدشاه تیمور گذاشته، زودتر به ایران برگشت. بعد از مراجعت نادرشاه، حزین دوباره به لاهور رفت. ولی زکریاخان حاکم لاهور دشمن او شد. اتفاقاً حسن قلی خان کاشی که از جانب محمدشاه بر «سبیل سفارت» پیش نادرشاه رفته بود، شیخ حزین را با خود به عافیت به دهلی رسانید. وقتی که حزین به دهلی رسید. محمدشاه بنا به توصیه و پیشنهاد عمده‌الملک امیرخان متخلص به انجام به حزین سیورغالی عطا کرد.^{۱۷} مؤلف مخزن‌الغرایب می‌نویسد:^{۱۸}

«امیرخان انجام جاگیر مبلغ چهل هزار روپیه در نزدیکی

اکبرآباد (آگره) برایش گرفت. از مردم نقه شنیدم که

پادشاه مزبور مبلغ پنج لک روپیه به معرفت نواب مذکور به

شیخ عطا فرمودند.»^{۱۹}

وضع مالی حزین مستحکم شد، ولی به علت هجو سرزمین هند بعضی امرا و خواص دهلی به مخالفت او برخاستند.^{۱۹} چون حزین پیرامون دهلی را سازگار و موافق خود ندید مجبور شد، دهلی را ترک گفته به آگره رود ولی چند روز در آن شهر اقامت نمود و از آنجا اراده بنگاله نموده به شهر عظیم آباد (پتنه) برگشت. و به بنارس مهاجرت کرد همانجا برای همیشه اقامت کرد.

در پایین لوحه سنگ این بیت بطور افقی منقوش است:
روشن شد از وصال توشبهای تار ما
صبح قیامتست چراغ مزار ما

«آثار شیخ محمدعلی حزین لاهیجانی اصفهانی»

شیخ محمدعلی حزین اصفهانی از شاعران و سخنگویان نامبردار اصفهان است. در فن شعر، او را ید بیضاست. بطور قدیم و جدید خط ثلث و نسخ و رقاع و شکسته در نهایت جودت می نویسد. حزین اگر چه شاعر ماهری بود، اما بقول پروفیسور براون^{۲۶} معروفیت او (در مغرب زمین) بیشتر بنابر سرگذشت و خود نوشت او بنام «تذکره الاحوال» می باشد که وی به سال ۱۱۵۴ هـ در حدود بیست سال پس از مهاجرت از ایران به هند نگاشته است.

در این کتاب حزین اکثر اوضاع و تحولات زندگی خود و ایران را شرح داده است. ولی حزین به احوال و تجربیات خود در این شبه قاره کمتر اشاره کرده است. از لحاظ سرگذشت احوال و اوضاع ایران در نیمه اول قرن دوازدهم هجری «تذکره الاحوال» حزین دارای اهمیت فوق العاده ای می باشد.

آثار منثور و منظوم شیخ حزین به شرح زیر است:

الف: آثار منثور:

حزین در «تاریخ احوال» اسم بیست رساله را آورده است که اکثر آنها حواشی بر بعضی متون فارسی بوده اما امروز بیشتر آنها از بین رفته است. فهرست آثار حزین در «نجوم السما» نیز ذکر شده^{۲۷}، اما آن فهرست هم کامل نیست - کتابهای حزین که نسخه های خطی آنها در کتابخانه های مختلف موجود است - بدین قرار است:

۱ - آداب الدعوة والاذکار

۲ - آداب الغزله.

۳ - آداب المعاشرة.

۴ - ابطال التناسخ/رساله ابطال التناسخ برای طبیعیین^{۲۸}.

۵ - ابطال الجبر والتفویض.

۶ - اثبات تجرید النفس.

۷ - اخبار ابی الطیب احمد متنبی

۸ - اخبار خواجه نصیرالدین طوسی.

۹ - اخبار صفی الدین حلّی.

۱۰ - اخبار هشام ابن حکم.

۱۱ - الأدعية والأدویة.

۱۲ - الأزل والأبدو والسرمد.

۱۳ - الأسنی فی تفسیر آیه «ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او

أدنی».

۱۴ - اصول الأخلاق.

۱۵ - اصول علم التعبير.

۱۶ - اصول المنطق.

۱۷ - الإغاثة فی الأمامة.

۱۸ - اقسام المصدقین بالسعادة الأخرویه.

۱۹ - الأمامة/رساله امامت^{۲۹}.

۲۰ - الأنساب.

۲۱ - انیس الفؤاد فی حقیقة الأجتهد.

۲۲ - بشارة النبوة در اثبات نبوت حضرت خاتم صلی الله علیه [وآله]

وسلم از انجیل و تورات و صحیفه یوشع و کتاب شعیا.

۲۳ - تاریخ احوال حزین^{۳۰}: در اصل این تاریخ یا تذکره خود

نوشت سوانح حیات شیخ حزین است و او در این کتاب یادداشتهایی در حوادث انقراض صفویه و حمله افغان و ظهور نادرشاه و درباره خانواده و

استادان و دوستان معاصر خود نوشته است. این کتاب در لندن در سال

۱۸۳۱ م و در بنارس ۱۸۵۱ م و در لکهنو در سال ۱۸۷۶ م (جزو کلیات

حزین) و در کانپور در ۱۸۹۳ م (جزو کلیات حزین) و در دهلی در

۱۳۱۹ هـ چاپ شده است و متن فارسی و ترجمه انگلیسی این کتاب را

ف. س. بلفور در سال ۱۸۳۰-۱ م انتشار داده است.

۲۴ - تجوید القرآن.^{۳۱}

۲۵ - تحقیق معاد روحانی.^{۳۲}

۲۶ - تذکره الشعراء المعاصرین/تذکره معاصرین^{۳۳}: حزین این

تذکره را در سال ۱۱۶۵ هـ تألیف نموده است، این کتاب مشتمل بر ذکر

صد نفر از شعرا و علم و فضلا و بزرگان اصحاب است که هم عصر

بودند و در این تذکره، هیچ ترتیب الفبائی یا تاریخی یا جغرافیایی

مراعات نشده است. بقول مؤلف این تذکره در مدت نه روز تکمیل یافته

بود.

این تذکره در لکهنو در سال ۱۸۷۶ م (جزو کلیات حزین) و در

کانپور در سال ۱۸۹۳ م (جزو کلیات حزین) و در اصفهان در سال

۱۳۳۴ ش (چاپ دوم) چاپ شده است.

۲۷ - تذکره صیدیه یا خواص الحیوان^{۳۴}: حزین این رساله یا تذکره

را درباره احکام صید، احکام ذبایح و در ذکر بعضی جانوران بری و

بحری و خواص آنها و در کیفیت حصول حیوان و حقیقت آن و در

احکام شرعی صید نوشته است و آن را در دیباچه به «احکام و خواص

حیوان» و «تذکره صیدیه» تعبیر کرده است.

۲۸ - تذکره العاشقین^{۳۵}.

۲۹ - تفسیر الأسماء الحسنی^{۳۶}.

۳۰ - جام جم در بیان کائنات جو و موالید ثلاثه^{۳۷}.

۳۱ - جواب رقعات شیخ حسن مرحوم^{۳۸}.

۳۲ - جواهرنامه/رساله مروارید^{۳۹}: (نگاره خواص الحیوان) در

همین بخش و جزآن حزین این رساله را درباره اقسام مروارید و دیگر

جواهر و رنگ و شکل و نشانیها و خواص آنها در ۱۱۵۸ هـ در دهلی

۳۲، ۴۷-۸ و ۴۹ و ۸۰-۸۱ آورده است و دربارهٔ مثنوی «ساقی نامه» و مجموعه ای بنام «مدّة العمر» را نیز ذکر کرده است.

چهار دیوان شعر:

۱ - دیوانِ اوّل: حزین این دیوان را در دوران اقامت در اصفهان نوشته بود و این دیوان مشتمل بر قصاید و مثنوی و غزلیات و رباعیات است و تقریباً هفت یا هشت هزار بیت دارد، ولی در دوران محاصرهٔ اصفهان در سال ۱۱۳۴ هـ از بین رفت.

۲ - دیوانِ دوم: ۷۲ در سال ۱۱۳۴ هـ در اصفهان تکمیل یافته بود. تقریباً ده هزار بیت بود. مثنوی تذکرة العاشقین را نیز در همان زمان در اصفهان آغاز کرد. این مثنوی متضمن حکایاتی است - منقول از اصمعی و تقریباً هزار بیت دارد.

۳ - دیوانِ سوم: ۷۳ حزین این دیوان را در دوران قیام شیراز ترتیب داده بود و این دیوان مشتمل بر سه یا چهار هزار بیت بود.

۴ - دیوانِ چهارم: ۷۱ حزین این دیوان را در دوران قیام مشهد نوشته بود و همان جا مثنوی بنام «خرابات» به سبک «بوستان سعدی» بسرود که یک هزار و دو بیست بیت دارد.

حزین دربارهٔ تعداد ابیات دواوین اینطور می نویسد: ۷۵

«مجموع آنچه درین چهار گنجینه فراهم آمده تخمین را سی هزار بیت است».

در دهرمایه و رشدهقان ز حاصل ما

شد سی هزارباره سی پارهٔ دل ما

ولی متأسفانه سه دیوان نخستین باقی نمانده است، اما دیوان

چهارم باقی مانده است و حزین دربارهٔ تکمیل یافتن نسخهٔ دیوانِ چهارم

چنین می نویسد: ۷۶

هزار و یکصد و پنجاه و پنج هجری بود

که گشت نسخهٔ دیوانِ چارمین سپری

قصیده و غزل و قطعه و رباعی آن

دو صد فزون ز هزار است و سی چو بر شمری

حزین بعداً در سال ۱۱۵۵ هـ هر چه گفته در دیوان چهارم خود اضافه

و علاوه نموده است. چنانکه نسخهٔ ای از دیوان در موزه بریتانیا ۷۷ موجود

است که نسبت به نسخ دیگر او بعضی قصائد و غزلیات اضافی دارد که

حزین در آخر عمر خود سروده است.

دیوان چهارم حزین شامل قصاید و غزلیات و متفرقات و غزلیات و

رباعیات و قطعات و قسمت هایی از مثنوی های او بنام «صغیر دل» و

«چمن انجمن» و «خرابات» و دیباجهٔ «مطمح الانظار» و

«فرهنگ نامه» و «تذکرة العاشقین» می باشد - کلیات حزین که در

کانپور و لکهنو چاپ شده است - اساساً بر همین دیوان چهارم مشتمل

است.

مندرجات کلیات حزین از روی چاپ لکهنو حسب ذیل است: ۷۸

۱ - افتتاح نامه؛ قصاید مشتمل بر توحید و نعت و مدایح

نگاشته است (نسخه خط حزین)

۳۳ - حاشیه بر الهیات شفا و فرایدالنفواید^{۴۰}.

۳۴ - حاشیه بر امور عامه شرح تجرید^{۴۱}.

۳۵ - حاشیه بر رواج الجنان^{۴۲}.

۳۶ - حاشیه بر شرح حکمت اشراق^{۴۳}.

۳۷ - حاشیه بر شرح هیاکل النور^{۴۴}.

۳۸ - رساله اوزان شرعی یا رساله اوزان مثقال و درهم و دینار^{۴۵}.

۳۹ - رساله تجرید النفس/رساله در حقیقت نفس و تجرد^{۴۶}.

۴۰ - رساله تحقیق غنا^{۴۷}.

۴۱ - رساله التخلیه و التحلیه^{۴۸}.

۴۲ - رساله توجیه کلام حکمای مجوس در مبدأ عالم^{۴۹}.

۴۳ - رساله توفیق در توافق حکمت و شریعت^{۵۰}.

۴۴ - رساله در حمله های ایران و هند^{۵۱}.

۴۵ - رساله در مدارج حروف^{۵۲}.

۴۶ - رساله دستور العقلا^{۵۳}.

۴۷ - رساله فرس نامه^{۵۴}.

۴۸ - رساله کنه المرام^{۵۵} (در بیان قضا و قدر و خلق اعمال).

۴۹ - رساله لوامع مشرقه در تحقیق معنی واحد و وحدت^{۵۶}.

۵۰ - رساله مفرح القلوب در مجربات و فواید طیبیه^{۵۷}.

۵۱ - رساله منطق^{۵۸}.

۵۲ - سفینه علی حزین^{۵۹}: این کتاب در ذکر ۱۰۰۷ شاعر متأخر در

صد و دو صفحه از روی چاپ دکن ۱۳۴۸ هـ به ترتیب الفبا از روی

حرف اول اسم یا تخلص شاعر می باشد. این سفینه با «اهلی شیرازی»

شروع شده با «کمال الدین ضمیر اصفهانی» تمام می شود.

۵۳ - شجرة الطور فی شرح آیت النور^{۶۰}: در تفسیر سوره ۳۵ آیه ۲۵

به زبان عربی در مشهد در ۱۱۴۰ هـ نوشت.

۵۴ - شرح رساله کلمة التصوف شیخ اشراق^{۶۱}.

۵۵ - کتاب رموز کشفیه^{۶۲}.

۵۶ - کتاب فتح السبیل^{۶۳}.

۵۷ - مذاکرات فی محاضرات^{۶۴}.

۵۸ - مسئله حدوث و قدم^{۶۵}.

۵۹ - مصابیح الظلام فی آراء الکلام^{۶۶}.

۶۰ - مواعد الاسحار^{۶۷}.

۶۱ - اللمعة (من مرآت اله فی شرح شهیداله^{۶۸}: تفسیر سوره ۳ آیه

۱۶ به زبان عربی که در اردبیل در سال ۱۱۳۹ هـ نوشت.

۶۲ - شرح قصیده لامیه^{۶۹}: شرح قصیده خود به منقبت امیرالمؤمنین.

ب: آثار منظوم:

حزین در «تاریخ احوال»^{۷۰} ذکر چهار دیوان شعر را در صفحات

- ۲ - متفرقات .
- ۳ - رباعیات .
- ۴ - مثنوی مسمیٰ به «صغیر دل» .
- ۵ - مثنوی مسمیٰ به چمن و انجمن .
- ۶ - مثنوی مسمیٰ به خرابات .
- ۷ - دیباجة مطمح الانظار در جواب مخزن الاسرار نظامی .
- ۸ - مثنوی فرهنگ نامه .
- ۹ - فاتحه و خاتمه مثنوی موسوم به تذکرة العاشقین - مثنوی بروزن لیلی و مجنون .
- ۱۰ - المقطعات .
- نسخه ای از کلیات حزین در کتابخانه مجلس تهران (ش ۹۷۱ مورخ ۱۲۲۸ ق) موجود است . آنجا مؤلف سن خود را هفتاد سال و درص ۱۴۵ عده اشعار خود را پنجاه هزار بیت گفته است :
- بعد پنجاه هزار بیت گزین
که در آمد بد فترت دویں**
مثنوی ساقی نامه^{۸۰} : اشعاری که در قیام اصفهان سروده بود از جمله «ساقی نامه» است که تقریباً دارای هزار بیت است .
- مجموعه ای بنام مدة العمر^{۸۱} : این مجموعه در سال ۱۱۳۵ هـ . در اصفهان تألیف نموده مشتمل بر نقایس و نوادر ، و این مجموعه تقریباً هفت هزار بیت دارد . ولی مثنوی ساقی نامه و مجموعه ای به نام مدة العمر باقی نمانده است .
-
- «منابع»**
- ۱ - «تاریخ احوال بتذکرة حال مولانا شیخ محمدعلی حزین که خود نوشت است» . (جزو کلیات حزین)
تألیف : محمدعلی حزین اصفهانی چاپ در مطبع نامی نولکشور ، لکهنو ۱۲۹۳ هـ / ۱۸۷۶ م .
- ۲ - «تاریخ احوال بتذکرة حال مولانا شیخ محمدعلی حزین که خود نوشت است» .
تألیف : محمدعلی حزین اصفهانی به تصحیح الف . سی . بلفور چاپ لندن ۱۸۳۱ م .
- ۳ - تاریخ ادبیات ایران ، جلد ۴ .
تألیف : پروفیسور ادوارد براون ترجمه رشید یاسمی چاپ ، تهران ۱۳۴۵ ش .
- ۴ - تذکرة ریاض الشعرا .
تألیف : علی قلی خان واله داغستانی ، (خطی) موزه ملی ، کراچی .
- ۵ - تذکرة ریاض العارفین .
تألیف : آفتاب دای لکهنوی به تصحیح سیدحسام الدین راشدی چاپ راولپنڈی ۱۳۹۶ هـ .
- ۶ - تذکرة الشعرا
تألیف : عبدالغنی چاپ علی گره ، ۱۹۱۶ م .
- ۷ - تذکرة شعراى پنجاب
تألیف : خوانجه عبدالرشید چاپ لاهور ، ۱۳۴۶ ش .
- ۸ - تذکرة نویسی فارسی در هند و پاکستان .
تألیف : دکتر علی رضا نقوی چاپ ، تهران ۱۹۶۴ م .
- ۹ - خزانه عامره
تألیف : میرغلام علی آزاد بلگرامی ، چاپ کانپور ، ۱۸۷۱ م .
- ۱۰ - دیوان حزین :
تألیف : شیخ محمدعلی حزین به تصحیح ممتاز حسن چاپ کراچی ۱۹۷۱ م .
- ۱۱ - روز روشن
تألیف : محمد مظفر حسین صبا به تصحیح محمدحسین رکن زاده آدمیت چاپ ، تهران ۱۳۴۳ .
- ۱۲ - ریحانة الادب ، جلد اول
تألیف : محمدعلی تبریزی مدرس چاپ تهران ۱۳۳۵ ش .
- ۱۳ - الذریعة الی تصانیف لشیعة .
تألیف : آقا بزرگ تهرانی چاپ دارالاضواء بیروت .
- ۱۴ - سبک شناسی جلد ۳ .
تألیف : محمدتقی بهار چاپ تهران ۱۳۴۹ ش .
- ۱۵ - سلسله های اسلامی
تألیف : کلیفوردموند بوسورت ترجمه فریدون بدره ای چاپ تهران ۱۳۴۹ .
- ۱۶ - سوانح عمری شیخ محمدعلی حزین
تألیف : شیخ محمدعلی حزین ، با اهتمام غلام احمدخان چاپ دهلی ۱۳۱۹ هـ .
- ۱۷ - سیر المتأخرین جلد ۲ .
تألیف : غلام حسین طباطبائی چاپ لکهنو ۱۸۶۶ م .
- ۱۸ - شعر العجم جلد ۱-۵ .
تألیف : مولانا شبلی نعمانی چاپ تهران ۱۳۳۹ ش ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی .
- ۱۹ - عقد ثریا .
تألیف : غلام همدانی مصحفی ، مرتبه : مولوی عبدالحق چاپ دهلی ۱۹۳۴ م .
- ۲۰ - فهرست مشترک نسخه های خطی پاکستان ، جلد ۱ .
تألیف : احمد منزوی چاپ اسلام آباد ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م
- ۲۱ - کلیات حزین
تألیف : شیخ محمدعلی حزین چاپ نولکشور لکهنو ۱۲۹۳ هـ / ۱۸۷۶ م .
- ۲۲ - گنج سخن جلد ۳
تألیف : دکتر ذبیح الله صفا چاپ تهران ۱۳۴۰ ش .
- ۲۳ - لغت نامه دهخدا
تألیف : علی اکبر دهخدا به تصحیح دکتر معین ، چاپ تهران ۱۳۳۸ هـ . ش .
- ۲۴ - مائراکرام موسوم به سرو آزاد
تألیف : میرغلام علی آزاد بلگرامی به اهتمام مولوی عبدالحق حیدرآباد دکن ، ۱۹۱۳ م .
- ۲۵ - مجمع الفصحا
تألیف : (هدایت) رضا قلی خان چاپ تهران ، ۱۲۹۵ هـ .
- ۲۶ - مخزن الغرایب
تألیف : شیخ احمدعلی خان هاشمی سندیلوی ، به تصحیح محمدریاقر چاپ لاهور ۱۹۶۸ م .
- ۲۷ - مردم دیده
تألیف : عبدالحکیم حاکم بتصحیح دکتر سیدعبدالله چاپ لاهور ، ۱۹۶۱ م .
- ۲۸ - نجوم السماء
تألیف : محمدعلی کشمیری ثم لکهنوی چاپ لکهنو - ۱۳۰۳ هـ .

۲۹ - نقش پارسی بر احجار هند

تألیف: غنی صفر حکمت چاپ کلکته، ۱۳۳۶ هـ.ش/ ۱۹۵۷ م.

۳۰ - هفت آسمان

تألیف: مولوی آغا احمدعلی احمد چاپ ایشیانک سوسائیتی آف بنگال

کلکته، ۱۸۷۳ م

«یادداشتها»

۱ - شیخ صفی الدین اردبیلی، متخصص به صفی قطب زمان و غوث دوران بود و فرقه صوفیان صفویه را در اردبیل از شهرهای آذربایجان تأسیس کرد و نفوذ شیخ صفی در آسیای صغیر بسیار بود و او به تاریخ ۱۲ ماه محرم ۷۳۵ هـ وفات یافت.

۲ - تاریخ احوال، (جزو کلیات حزین) تألیف محمدعلی حزین چاپ لکهنودر سال ۱۲۹۳ هـ، ص ۳.

۳ - همان کتاب ص ۱۱ - ۱۰.

۴ - همان کتاب ص ۱۱.

۵ - همان کتاب ص ۳۱ - ۳۲.

۶ - همان کتاب ص ۴۷ - ۴۸.

۷ - همان کتاب ص ۵۵.

۸ - همان کتاب ص ۷۰ - ۷۱.

۹ - همان کتاب ص ۷۶.

۱۰ - همان کتاب ص ۸۰ - ۸۱.

۱۱ - حزین چندین بار با شاه طهماسب ملاقات کرد. به قول حزین شاه طهماسب در مشهد برای دیدن وی آمد و در سنه ۱۱۴۱ هـ. وقتی که لشکر شاهی بر اشرف افغان حمله کرده شاه طهماسب از حزین دعوت کرد که به اتفاق وی برود و همچنین در موقعی دیگر حزین به شاه مزبور نصیحت‌هایی کرد و او را طریقی برای تحفظ و بقای سلطنت خانواده او تلقین کرد - ر.ک. تاریخ احوال ص ۸۶ - ۸۷.

۱۲ - همان کتاب ص ۹۹.

۱۳ - مؤلف خزانه عامره می‌نویسد که در «آن هنگام علی قلی خان واله داغستانی به اراده هند، وارد کرمان شده بود. هر دو به اتفاق به بندر عباسی آمدند، شیخ نزد میرزا اسماعیل زمین دآوری (حاکم بندر مذکور) توقف کرد و خان مذکور بر جهاز نشسته به بندر تته که از بندر ملک سند است، درود نمود - شیخ نیز پس بری بعد ده روز بندر تته را محلول ساخت و از تته بر سر سیستان و خد آباد گذشته به بلده بکر رسید» - ر.ک: خزانه عامره ص ۴ - ۱۹۳ و مآثر الکرام ص ۲۲۵.

۱۴ - بهکر (بکر) شهری که کنترارود سند آباد است - مؤلف خزانه عامره در دوران قیام بهکر با حزین صحبت داشت - مؤلف می‌نویسد «اتفاقاً در آن ایام که در حدود (۱۱۴۷ هـ) سبع و اربعین و مائة و الف بود. فقیر نیز از سیستان محمل سفر جانب هند بر بنتم و در بلده بکر فرود گاه شیخ و فقیر بر نزدیک واقع شد و با هم صحبتها دست داد و جزوی اشعار به خط خود بر سبیل یادگار تسلیم من نمود» - خزانه عامره ص ۱۹۴.

مؤلف مآثر الکرام نیز با حزین در شهر بهکر ملاقات کرد و او می‌نویسد: اتفاقاً در آن ایام عطف عنان فقیر از سند به جانب هند واقع شد و در بلده بهکر با شیخ ملاقاتها دست داد... در بهکر جزوی از اشعار طبعزاد به دستخط خود تواضع فقیر نمود و اکنون دیوان شیخ به خط خودش شخصی نزد فقیر آورد. مآثر الکرام ص ۲۲۵-۶.

۱۵ - مؤلف خزانه عامره می‌نویسد که در مدتی که نادرشاه در دهلی بود حزین در خانه واله پنهان بود همین طور واله در «ریاض الشعرا» در این باره می‌نویسد: «شیخ لایب به دهلی تشریف آورد. در کعبه این ذره ناپنج منزوی و مخفی ماند تا کوکب

اقبال شاهی از شاهجهان آباد مراجعت به ایران نمود».

۱۶ - ر.ک: خزانه عامره ص ۱۹۴ و تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان ص ۳۵۱-۲.

۱۷ - ر.ک: خزانه عامره ص ۱۹۴ و عقد ثریا ص ۲۲، استوری ص ۸۴۲.

۱۸ - مخزن الغرائب ص ۸۰۲-۳.

۱۹ - «تنبیه الغافلین» کتابی که شامل اعتراضات آرزو درباره اشعار شیخ علی حزین اصفهانی است، نوشته شده و برخورد ادبی بین آرزو و علی حزین پس از ۱۱۵۴ و قبل از ۱۱۵۶ هـ. اتفاق افتاد. ر.ک: استوری ص ۸۴۳، تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان ص ۳۵۳-۶، خزانه عامره ص ۱۹۴.

۲۰ - سیرالمتأخرین چاپ کاپور ۱۸۶۶ م. ج ۲، ص ۶۱۵، استوری ص ۸۴۳.

۲۱ - مردم دیده ص ۶۶.

۲۲ - بنارس: شهر بنارس در کنار رود گنگ شهر تاریخی و مقدس هندوستان، اکنون در ناحیه (یو، پی) در قسمت شمالی هند قرار دارد.

۲۳ - خزانه عامره ص ۲۰۰. ر.ک: مؤلفان لغت نامه دهخدا، الذریعه و ریحانة الادب سال وفات حزین را ۱۱۸۱ هـ. نوشته اند.

۲۴ - هفت آسمان ص ۱۶۴.

۲۵ - نقش پارسی بر احجار هند ص ۸۹.

۲۶ - تاریخ ادبیات ایران، تألیف: ادوارد براون، ترجمه رشید یاسمی، چاپ تهران ۱۳۴۵ ش. جلد ۴، ص ۲۰۴۷.

۲۷ - نجوم السماء، تألیف: محمدعلی کشمیری ثم لکهنوی چاپ لکهنو ۱۳۰۳ هـ. ص ۲۸۷-۲۹۳.

۲۸ - حزین این رساله در دوران قیام اصفهان نوشته بود. ر.ک: تاریخ احوال ص ۴۷ و ریحانة الادب ص ۳۲۲.

۲۹ - حزین در سال ۱۱۴۳ هـ. وقتی که در مکه معظمه مقیم بود به سبب اشارتی که در رؤیای وی داد. رساله امامت را تألیف نمود - ر.ک: تاریخ احوال ص ۹۹ و ریحانة الادب ص ۳۲۳.

۳۰ - تاریخ احوال: مؤلف این تذکره اصلاً عنوان رسمی نگذاشته است - لهذا عنوانهای مختلفی روی سرورقی نسخه‌های خطی مختلف یافته است. مثلاً «تاریخ صفوی»، «تاریخ احوال» یا «سوانح عمری شیخ حزین» یا «تاریخ احوال به تذکره حال مولانا شیخ محمدعلی حزین که خود نوشت است».

مؤلف لغات دهخدا عنوان این تذکره را «تاریخ صفویه» نوشته است.

برای نسخ آن رجوع کنید به:

۱ - مخطوطات فارسی در مؤزۀ ملی پاکستان در کراچی N.M 196.1512 (قرن ۱۸ میلادی) ص ۱۳۷.

۲ - اسپرنگر ۲۲، استوری ص ۸۴۷.

۳ - بانکی پورج ۷ ص ۶۲۴ (۱۱۶۲ هـ) ۶۲۵ (۱۲۸۱ هـ)

۴ - ایوانو ۲۲۵ (حدود ۱۱۸۰ هـ) و ۲۲۶ (قرن ۱۸ م) و ۲۲۷ (قرن ۱۹ م)

۵ - ایوانو - کرزن ۵۵ (قرن ۱۸ م)

۶ - لیندزیانا ص ۱۵۱ ش ۴۴۶ (حدود ۱۷۸۰-۹۰ م) ش ۴۴۷ (حدود ۱۸۰۰ م) ش ۵۵۹ (۱۲۱۸ م)

۷ - بادلین ۳۸۳ (۱۱۹۷ هـ)

۸ - براون ذیل ش ۳۰۰ (قبل از ۱۷۸۸ م)

۹ - روج ۲ ص ۱۸۲۳ الف (اواخر قرن ۱۸ م) ج ۱ ص ۳۸۱ الف (۱۲۱۶ هـ) ج ۲ ص ۸۴۳ (۱۲۴۴ هـ)

۱۰ - زهاتسک ص ۲۱۸ ش ۱۱ (ظ: ۱۲۱۴ هـ)

۱۱ - اندیا آفس دی. پی. ص ۶۷۴ الف (۱۲۲۳ هـ) تته ۶۷۷ (۱۲۲۷ هـ)

۱۲ - اندیا آفس ۳۹۵۲ (۱۲۵۹ هـ) ۳۹۶۷ ()

۱۳ - راس و براون (۲) ۲۴۰ (۱۲۸۰ هـ)

- ۱۴ - ولز ۹۸۷ (۲)
- ۳۱ - کتابهای مزبوره یعنی از آداب الدعوة والأذکار تا تجوید القرآن، مؤلف ریحانة الادب بر صفحات ۳۲۲۰۳ ذکر کرده است.
- ۳۲ - بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۳، ایوانو- کرزن ۷۵۲ (۱) و ایوانو تکمله ثانی ۱۰۴۳ (۳)
- ۳۳ - برای نسخه خطی رجوع کنید:
- موزه ملی پاکستان کراچی N.M.1969-288 N.M.1968 128
- اسپرنگر ۲۱، ایوانو ۲۲۸، بانکی پور ج ۳ ص ۴۰۷، ۴۰۸، بانکی پور تکمله ج ۲ ش. ۳۳۵، اته ۶۷۸، ۶۷۹، اندیا آفس دی. پی. ۴۹۳ (پی) اندیا آفس ۵۸۶ الف و ۳۹۶۷، برلن ۶۵۵، دیو ۲ ب ۸۷۲ (۱) ب ۳۷۲ (۲) ب ۸۴۳، ایوانو ۲۲۸، ۲۲۹، علی گره ذخیره سبحان الله ص ۶۰ ش ۱۱.
- ۳۴ - ربو ج ۲ ص ۴۸۳، بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۲ و علی گره ذخیره سبحان الله ص ۸ فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان ج ۱ ص ۴۳۰، موزه ملی پاکستان کراچی ۱۹۶۱.۷۳۲.
- ۳۵ - ریحانة الادب ص ۳۲۳.
- ۳۶ - ایضاً ص ۳۲۳.
- ۳۷ - ایضاً ص ۳۲۳.
- ۳۸ - بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۳.
- ۳۹ - فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان جلد ۱ ص ۴۱۶، لاهور ذخیره محمد شفیع ۲۶۷/۳۹۰.
- ۴۰ - حزین این رساله را در دوران قیام اصفهان در سال ۱۱۳۴ نوشته بود. تاریخ احوال ص ۴۷.
- ۴۱ - حزین این حاشیه را در دوران قیام شهر داراب نوشته بود. ایضاً ص ۴۳.
- ۴۲ - حزین این حاشیه را در دوران قیام اصفهان در سال ۱۱۳۴ نوشته بود. ایضاً ص ۴۷.
- ۴۳ - ایضاً ص ۴۷.
- ۴۴ - ایضاً ص ۴۷.
- ۴۵ - ربو ج ۲ ص ۴۸۳ و ایوانو- کرزن ۵۰۲ (۷) بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۲.
- ۴۶ - ظاهراً این رساله و «رساله تجرد نفس» که حزین در کرمانشاه تألیف نموده، و در تاریخ احوال بدان اشاره نموده است، یکی است ص ۴-۷۳، ریحانة الادب، ص ۳۲۳.
- ر.ک: اته ش ۱۹۰۳ و بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۱ و ایوانو- کرزن ش ۵۰۲ (۲) و ایوانو تکمله دوم ش ۱۰۴۳ (۵)
- ۴۷ - حزین این رساله را در دوران قیام شهر یضا نوشته بود. تاریخ احوال ص ۴۰.
- ۴۸ - ریحانة الادب ص ۳۲۳.
- ۴۹ - حزین این رساله را در سال ۱۱۳۴ ه. در دوران قیام اصفهان نوشته بود. تاریخ احوال ص ۴۷.
- ۵۰ - ایضاً ص ۴۷.
- ۵۱ - این رساله در سال ۱۱۸۰ ه. در حسین آباد به اتمام رسید. ر.ک: ربو ج ۲ ص ۶۱۵.
- ۵۲ - تاریخ الاحوال ص ۴۷.
- ۵۳ - حزین این رساله را در سال ۱۱۵۳ ه. در دهلی نوشته بود. ر.ک: اندیا دی. پی. ۲۰۷ و ایوانو- کرزن ۵۰۲
- ۵۴ - این رساله را به طرز کتابی دیگر نوشته است که قبلاً در جوانی در اصفهان در همین موضوع نوشته بود. ر.ک: تاریخ احوال ص ۴۷، ربو ج ۲ ص ۴۸۳، بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۲ - ۲۳۴، ولیندزیانا ص ۵۲.
- ۵۵ - حزین این رساله را در دوران قیام روستایی که نزد حصار ملتان بود در سال ۱۱۴۷-۸ نوشته بود.